



### شرایط و علل اشتباهات ما :

لنین آموزگار پرولتاریا به ما می آموزد که " برخورد یک حزب سیاسی به خطاهای خود یکی از مهم ترین و مطمئن ترین معیارها برای جدی بودن آن حزب و انجام واقعی وظایف آن نسبت به طبقه و توده های زحمتکش است. اعتراف آشکار به خطا، فاش کردن علل آن، تجزیه و تحلیل شرایطی که موجب آن شده اند و بررسی دقیق وسایل رفع آن ها. این است نشانه مشخص یک حزب جدی - این به معنای انجام وظیفه آن است. به معنای پرورش و تربیت طبقه و سپس توده‌هاست." (لنین چپ روی بیماری.... کودکی در کمونیزم)

### مقدمه

بررسی تزه‌های کنگره اول و عملکرد یازده ماهه متعاقب آن نشان می دهد که انحراف عمده، انحراف رویزیونیستی یعنی روند راست و بورژوایی در حزب بوده است. اما از آنجا که حزب ما از یک موضع مارکسیست - لنینیستی و بخاطر خدمت به پرولتاریا و خلق و مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بوجود آمد و در صفوف آن کادرها و اعضای با تجربه مبارزه علیه رویزیونیسم مدرن بودند از همان آغاز حتی در کنگره اول انتقاد از تزه‌های اساسی کنگره شروع می شود و تدریجا در جریان عمل انتقادات قوت می گیرند. در ارگان های رهبری بازتاب می یابند تا اینکه بالاخره پلنوم پنجم کمیته مرکزی (بهمن 59) بطور آشکار حزب را در تقابل با جناح بورژوازی مسلط در حاکمیت قرار می دهد و سیاست مثبت در مقابل مثبت و مبارزه قهرآمیز را مطرح می سازد. اما مبارزه میان مارکسیسم - لنینیسم و اپورتونیزم راست بشدت ادامه می یابد و مسیر پر پیچ و خمی را طی می کند. پس از این دوره مبارزه میان دو خط مشی در رهبری در رابطه با گذشته شدت می یابد. نظری ضمن قبول اشتباهات و انحرافات تاکید را روی انحراف در سیاست و نظری [دیگر] تاکید را روی انحراف در خط مشی می گذارد. پس از شدت یافتن مبارزه طبقاتی و ضرورت انتخاب راه مقاومت یا سازش مبارزه ایدئولوژیک شدیدتر می گردد و تا سطح مبارزه تشکیلاتی پیش می رود. بخشی از رهبری با اساس قرار دادن سند معروف به سند اسفند ماه 1360 و تفسیر آن بسود مشی اپورتونیستی خود با ایجاد رهبری جدید، روند انشعابی در حزب را شکل نهائی می دهند. در مقابل بخش دیگری از رهبری ضمن پافشاری روی موازین تشکیلاتی و ادامه مبارزه ایدئولوژیک درون حزبی می کوشد تا اجلاس ارگان های رهبری حزب را برگزار کند و شکل نهایی را به جمع بندی از گذشته و تدوین برنامه و خط مشی جدید بدهد. جلسه دفتر سیاسی بهمن 61 با پافشاری روی مواضع مارکسیستی - لنینیستی و انتقاد و طرد اپورتونیزم کودتاگر شرایط را برای برگزاری دومین کنگره حزب و برای تحقق این وظایف فراهم می آورد. ما در زیر کوشش می کنیم ابتدا تظاهرات این انحرافات را در زمینه های تئوریک، سیاسی، تشکیلاتی و سبک کاری بیان کنیم و علل و شرایط بروز این انحرافات را مورد بررسی قرار دهیم. چگونگی راه و وسایل رفع این خطاها و انحرافات در دیگر اسناد کنگره از جمله اساسنامه و برنامه آمده است.

### خطاها و اشتباهات ما

### الف - در زمینه های تئوریک:

- 1- تظاهرات اشتباهات ما به قرار زیر است : پر بها دادن به امپریالیسم تا حد قرار دادن آن در سطح تضاد عمده و کم بها دادن به مبارزه طبقاتی درون جامعه
- 2- نادیده گرفتن ماهیت طبقاتی بورژوازی ملی (بویژه جناح مذهبی آن) و کم بها دادن به جنبه های ارتجاعی ، ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک آن.
- 3- تاکید یک جانبه روی وحدت با بورژوازی ملی و پیروی از سیاست همگرایی طبقاتی و در نظر نگرفتن تضاد پرولتاریا با بورژوازی ملی به عنوان جنبه غالب و مناسبات این دو طبقه.
- 4- طرح تئوری فازی در انقلاب دمکراتیک نوین تحت رهبری بورژوازی ملی و از این طریق نفی هژمونی پرولتاریا و مبارزه آن برای کسب قدرت سیاسی در این فاز.
- 5- زیر پا گذاشتن اصل مارکسیستی " جدائی دین از دولت " و نادیده گرفتن اصل مارکسیستی " دین افیون توده هاست " و قائل شدن نقش تاریخی مثبت برای اسلام در این دوران
- 6- عدم تمایز گذاری بین بورژوازی ملی به قدرت رسیده و بورژوازی ملی که به قدرت نرسیده است.

### ب - در زمینه سیاسی :

در زمینه خط مشی سیاسی دچار اپورتونیسیم راست شدیم که تظاهرات آن به قرار زیر است :

- 1- کنار گذاشتن وظیفه مشخص انقلابی مرحله ای پرولتاریا یعنی مبارزه برای سرنگونی رژیم بورژوازی حاکم و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق.
- 2- پشتیبانی از نیروهای مسلح طبقات حاکم ، تشویق حاکمین به نوسازی و بسط و گسترش آنها و عدم تبلیغ ضرورت تسلیح طبقه کارگر و توده های زحمتکش.
- 3- داشتن خیال واهی نسبت به دمکراسی بورژوایی ، در نتیجه عدم تدارک برای مقابله مسلحانه و قهر آمیز با دشمنان طبقاتی
- 4- آلترناتیو تشکیل دولت " اتحاد بزرگ ملی " با مضمون سه اصل خلق " استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی ( بویژه رفاه زحمتکشان ) بجای جمهوری دمکراتیک خلق که بعلت نامشخص گذاشتن نقش رهبری پرولتاریا این آلترناتیو ماهیت بورژوائی داشت. برنامه " اتحاد بزرگ ملی " دارای خصلت رفرمیستی ( اصلاح طلبانه ) و رویزیونیستی بود.
- 5- پشتیبانی از دولت بورژوازی که با پوشش مبارزه " ضد امپریالیستی " و " استقلال طلبی " علیه طبقه کارگر و جنبش های ملی و توده ای برخاسته و برای سرکوب آنها تلاش می نمود.
- 6- عدم تکیه روی سمت گیری به طرف طبقه کارگر و زحمتکشان و در مقابل توجه به نیروهای بینابینی.
- 7- کنار گذاشتن موضع اصولی پشتیبانی از حق ملیت های تحت ستم ایران در تعیین سرنوشت خود تا حد جدائی و ایجاد دولت مستقل خود به بهانه خطر دو ابر قدرت و عمال آنها و هم موضع شدن با بورژوازی شووینیست حاکم در سرکوب خلق های تحت ستم تحت تأثیر مواضع انحرافی دفاع از بورژوازی ملی در قدرت.
- 8- عدم دفاع همه جانبه و قاطع از خواست های کارگران و زحمتکشان و عدم پشتیبانی همه جانبه از آنها در مبارزاتشان علیه سرمایه داران و طبقات ستمگر حاکم

### پ - در زمینه تشکیلاتی :

مشی اپورتونیستی راست در سیاست باعث بروز لیبرالیسم در تشکیلات شد که تظاهرات آن به قرار زیر است :

- 1- روند ایجاد حزب از بالا بدون مبارزه ایدئولوژیک همه جانبه بین سازمان های تشکیل دهنده آن و بدون سنجش یکدیگر در پراتیک انقلابی و اجتماعی.
- 2- با وجود کوشش برای جلب پیشروان جنبش کارگری و کمونیستی به درون تشکیلات بخاطر خط نادرست این امر با موفقیت جلو نرفت.

- 3- ایجاد رهبری وسیع و نامتناسب با جثه حزب بدون در نظر گرفتن کیفیت لازم.
- 4- عدم اجرای صحیح مرکزیت دموکراتیک.
- 5- نداشتن سیستم کنترل دقیق و رسیدگی به مسائل تشکیلاتی بطور منظم.
- 6- فقدان نظام نامه جهت پیش برد اصولی کار و حل مناسبات درون ارگان ها بویژه در ارگان های بالای حزبی.
- 7- عدم تلفیق صحیح کار مخفی و علنی ، تاکید یک جانبه روی کار علنی و ایجاد دفتر و دستک و گسترش فعالیت روزنامه ای و افتادن به علنی گرایی.
- 8- گرد کردن نظرات در اجلاس ارگان های رهبری و اسناد حزبی از طریق تاکید بیجا روی وحدت و نکات مشترک و فرموله نکردن نکات مورد اختلاف و جلوگیری از مقابله و مبارزه نظرات.
- 9- عدم حل صحیح مناسبات بین رهبری جمعی و مسئولیت فردی در کار کمیته های حزبی از یک سو شکوفا نشدن کار جمعی و تصمیم گیری جمعی و افتادن ابتکار عمل در دست مسئولین کمیته ها و از سوی دیگر نامشخص ماندن مسئولیت های فردی و فراهم نکردن امکانات حزبی برای شکوفائی استعداد های فردی در چهارچوب وظایف محوله.
- 10- نداشتن سیاست دقیق و روشن در عمل درباره کادرها، عدم مواظبت و کنترل کادرها، بکار نیستن معیار صحیح برای قضاوت درباره آنها و در نتیجه واگذاری مسئولیت به کادرها و گرفتن مسئولیت از کادرها بر اساس سلیقه های فردی و بدون ارزیابی دقیق حزبی از عملکرد طولانی آنها و جابجائی های بی مورد در این زمینه.
- 11- عدم اجرای کامل و دقیق بر گزارش دهی متقابل.

#### ت - در زمینه سبک کار:

- ما در کسب کار اساسی پرولتاری یعنی تلفیق تئوری با پراتیک ، پیوند فشرده با توده ها ، انتقاد و انتقاد از خود را بطور جدی ، دقیق و همه جانبه بکار نیستیم که تظاهرات این خطا به قرار زیر است :
- 1- کم بها دادن به اصول جهان شمول م.ل و بکار نیستن این اصول در تحلیل از اوضاع مشخص.
  - 2- الگو برداری از تئوری سه جهان در رابطه با وضع مشخص ایران.
  - 3- کم بها دادن بکار تحقیق و بررسی دقیق و همه جانبه از وضع اقتصادی ، اجتماعی طبقات موجود در جامعه.
  - 4- عدم احترام ب واقعیت ها و جستجوی حقیقت از میان آنها و گلچین کردن وقایع اجتماعی در چهارچوب خط مشی غلط موجود جهت توجیه سیاست ها، غلو کردن در گزارشات جهت بزرگ جلوه دادن.
  - 5- در پیش گرفتن سبک " میان بر زدن " و " کسب پیروزی سریع ".
  - 6- پراکنده کاری و در پیش نگرفتن سیاست تمرکز.
  - 7- بی توجهی به انتقادات مطروحه در رابطه با انحرافات موجود در حزب بویژه انتقاداتی که از طرف نیروهای چپ در این زمینه از ما صورت می گرفت و برخورد قالبی و بوروکراتیک به این انتقادات..
  - 8- رو نکردن رهبری به کادرها و اعضای حزبی هنگام بروز اختلافات و در جریان نگذاشتن آنها و در مقابل کوشش برای پوشاندن این اختلافات و تظاهر به «وحدت از بالا»
  - 9- هر چند انتقاد و انتقاد از خود در حوزه ها در رابطه با وظائف مشخص صورت میگرفت ولی کمبود اصلی در این زمینه به وجود نیاموردن شرایطی در حزب بود تا به سیاستها و خط مشی حزب برخورد انتقادی صورت گیرد و به نظرات انتقادی پرو بال و زمینه رشد داده شود.

#### 2 - علل بروز اشتباهات و خطاهای ما

علل بروز خطاها و اشتباهات ما را باید در حوزه ایدئولوژیک و شیوه تفکر جستجو کرد، به این دلیل که یک حزب سیاسی و پیشرو وظایف خود را از افکار هدایت کننده ای پیروی می کند و به این دلیل که پرولتاریا بدون افکار هدایت کننده خود نفی حقیقت عام م.ل نمی تواند در مبارزه طبقاتی، مبارزه برای کسب قدرت سیاسی، براندازی سیستم بردگی مزدوری و آزاد کردن جهان شرکت کند و به پیروزی دست یابد و نیز به این دلیل که نجات ایران و رهائی زحمتکشان و طبقه کارگر ایران بدون تئوری انقلابی امکان پذیر نیست و چنانچه کلیه خطاها و اشتباهات خود را بررسی کنیم، می بینیم که چیزی جز دوری و انحراف از اصول مارکسیستی - لنینیستی نبوده است. ما در زیر می کوشیم عللی را که در حوزه ایدئولوژیک و شیوه تفکر در شکل گیری خطاها و اشتباهات، موثر بوده اند را بیان کنیم.

### **تظاهرات انحراف ما در زمینه ایدئولوژیک به قرار زیر است :**

- 1- کم بها دادن به مبارزه طبقاتی در رابطه با بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی و تبلیغ سازش طبقاتی
- 2- کم بها دادن به پرولتاریا و نیروهای وابسته به آن و پر بها دادن به قدرت بورژوازی.
- 3- کم بها دادن به مبارزه فلسفی و سکوت و تمکین در مقابله با تعرضات بورژوازی به فلسفه علمی و ماتریالیسم دیالکتیک و قائل شدن نقش انقلابی برای اسلام تحت عنوان "اسلام مبارز" .
- 4- دنباله روی از توده ها و ارائه نکردن خود به صورت آلترناتیو پیشرو.
- 5- بکار نبستن درسها و آموزش های بدست آمده از مبارزه علیه رویزونیسم مدرن، رفرمیسم و اپورتونیسم تاریخی حزب توده.
- 6- تبلیغ قاطعانه نکردن درباره سوسیالیسم و کمونیسم بخاطر حفظ وحدت با بورژوازی ملی و محدود کردن مبارزه عملی به برنامه " اتحاد بزرگ ملی " در آن مرحله از انقلاب.

### **3- تجزیه و تحلیل شرایط بروز خطاها**

#### **الف - شرایط داخلی جامعه :**

- 1- فعال شدن بورژوازی ملی و قرار گرفتن آن در راس جنبش عظیم توده ای.
- 2- همگرایی طبقاتی و هم موضع شدن طبقات مختلف جامعه در مبارزه علیه رژیم سلطنتی شاه.
- 3- حضور فعال خرده بورژوازی به عنوان یکی از وسیع ترین اقشار در صحنه
- 4- ضعف پرولتاریا از نظر تشکل و خود آگاهی طبقاتی
- 5- پراکندگی صفوف جنبش کمونیستی و فقدان برنامه صحیح مارکسیستی - لنینیستی.
- 6- موضع "ضد دو ابرقدرت" گرفتن حاکمین و بوجود آمدن توهم همسویی با حاکمین در مبارزه علیه امپریالیسم.
- 7 - ترکیب طبقاتی خرده بورژوازی سازمان های تشکیل دهنده حزب و ضعف پیوند با طبقه کارگر و جنبش های کارگری و توده ای.

#### **ب - شرایط بین المللی :**

- 1- حرکت استقلال خواهی در سطح جهان.
- 2- ضعف و تشتت در جنبش کمونیستی بین المللی ناشی از اختلافات درونی آن و اخلال رویزونیسم مدرن.

### **جنگ ایران و عراق**

- جنگ ناشی از تضاد بین شوونیسم حاکم (بورژوازی "پان اسلامیستی" و "پان عربی" و هژمونی طلب ایران و عراق) بوده است و نه جنگ امپریالیستی. اما این جنگ بنا بر ماهیت خود به نفع امپریالیسم نیز بوده است.

- علیرغم حقانیت شرکت مستقل ما در جنگ علیه تجاوز رژیم عراق از آنجا که ما تحلیل راست روانه ای از حاکمین داشتیم و هدف آنها را در سرکوب انقلاب و " صدور انقلاب " ندیدیم ، لذا شرکت ما نتوانست به امر انقلاب پرولتاریا و کسب قدرت توسط آن کمک نماید.

- سیاست حزب ما مبنی بر مخالفت با سیاست ادامه جنگ توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران و تجاوز به خاک عراق درست بوده و با واقعیت تطابق داشته است.

- ما بدرستی نقش مخرب و انحصار طلبانه حاکمین را در جنگ بر ملا نمودیم و افشاگری خوبی در این زمینه انجام دادیم. بخصوص در زمینه جلوگیری حاکمین از شرکت نیروهای سیاسی در جنگ ، برخورد مستبدانه ، تحقیر آمیز و سرکوب گرانه به آوارگان جنگی ، موضعی درست و فعال اتخاذ کردیم. ما با بلندپروازی ها و سلطه طلبی حاکمین در مورد سرنگونی رژیم عراق و رفتن به داخل خاک عراق مرزبندی کردیم.

- تشکیلات حزب ما، در خوزستان از لحاظ اجرایی ، وظایف و سیاست های حزبی در رابطه با جنگ نمونه مثبت بوده با تمام مشکلاتی که حاکمین ضد انقلابی فراهم می آوردند در این بین تشکیلات توانست مستقلا در جنگ شرکت نماید ، سازماندهی مشخص کند ، آموزش نظامی به رفقا و هواداران حزبی دهد ، سلاح و مهمات جمع آوری نموده و از جبهه خارج سازد.

علاوه بر این توانست با کار دقیق و در میان بعضی افسران ضد رژیم در ارتش ، افرادی را به طرف حزب جلب نماید. طبعاً بخش های دیگر تشکیلات حزب همه به سهم خود در این امر شرکت نمودند.

### **برخورد به جنبش های کارگری ، ملی و دمکراتیک**

- بعد از قیام بهمن 57 رژیم جمهوری اسلامی ، قدم به قدم تجاوز خود را به حریم آزادی های دمکراتیک گسترش داد سیاست سرکوب خونین را علیه جنبش های ملی و دمکراتیک آغاز نمود. حزب ما به علت کم بها دادن به مبارزه طبقاتی درون جامعه ، دفاع از استقلال کشور را در برابر دو ابر قدرت عمده کرد و از حاکمین پشتیبانی نمود و بدین جهت نتوانست به عنوان مدافع راستین دمکراسی پیگیر عمل نماید.

- کنار گذاشتن موضع اصولی پشتیبانی از حق ملیت های تحت ستم ایران در تعیین سرنوشت خویش تا حد جدائی و ایجاد دولت مستقل خودی به بهانه خطر دور ابر قدرت و عمال آنها و هم موضع شدن با بورژوازی شوونیست حاکم در سرکوب خلق های تحت ستم ، تحت تاثیر مواضع انحرافی دفاع از بورژوازی ملی در قدرت.

### **برخورد به جنبش چپ :**

ما با ارزیابی نادرست از وضع جنبش کمونیستی ایران ، با پربها دادن به حزب و این تصور واهی که عمده نیروی پیشرو پرولتاری را بدور خود جمع کرده است ، با برخوردی سکتاریستی به بقیه نیروهای چپ (آنها را چپ رو ، آنارشویست خواندن و عملاً فقط شیوه مبارزه را با آنها در پیش گرفتن) و با داشتن خط مشی سیاسی نادرست ، به امر متحد کردن چپ که نیروی قابل محاسبه ای در توازن قوای مبارزه طبقاتی محسوب می شد ، وارد ساختیم. روشن است که با انتقاد از گذشته نمی خواهیم این توهم را بوجود آوریم که تنها با اصلاح نظرات میشد چپ را متحد کرد. چپ مسائل و مشکلات فراوانی دارد. متحد کردن کردن و یکی شدنش امری است بغرنج و طولانی.

### **تنوری سه جهان :**

ما تحت تاثیر تنوری سه جهان ، در سطح داخلی تضادهای طبقاتی جامعه را نادرست ارزیابی کردیم و بجای مبارزه با مرتجعین حاکم و سرنگون کردن آنها به آنان به عنوان دوست انقلاب برخورد کردیم.

- حزب باید در برخورد به مسائل جهانی ، تحقیق و بررسی همه جانبه تحلیل مستقل خود را ارائه دهد و از هر گونه الگو برداری ، از جمله تنوری سه جهان پرهیز نماید.

### **برخورد به مبارزه مسلحانه:**

1- از نظر سیاسی تصمیم پلنوم پنجم کمیته مرکزی (بهمن 59) ، در مورد سرنگونی قهر آمیز " مستبدین مذهبی " حاکم و تدارک مبارزه مسلحانه و تصمیمات متخذه متعاقب آن از جانب دفتر سیاسی در مورد تشکیل کمیسیون نظامی و پیشنهاد آن دایر به انجام مبارزه مسلحانه در حلقه های ضعیف ( نظیر فارس ، بختیاری ، کردستان ، شمال ) و رشد از کوچک به بزرگ ، علی رغم پراکنده کردن نیرو در سه - چهار منطقه درست بوده است.

2- از نظر تدارکاتی ، تلاش حزب در زمینه ایجاد نیروی مسلح در حلقه های ضعیف ( شمال ، فارس ، کردستان ) با توجه به اینکه حزب از ابتدای تاسیس خود عمدتاً کار مسالمت آمیز کرده بود ، مورد تحسین و تائید است.

3- از نظر تدارک ایدئولوژیک – سیاسی با توجه به اینکه از انحرافات گذشته جمع بندی کامل و همه جانبه ای صورت نگرفته بود ، کار ما کمبود داشت.

4- از نظر سازماندهی با توجه به تشدید ترور و خفقان، کمبود وجود داشت و تا حدی عجولانه کار شده و کیفیت لازم از رهبری به این مبارزات اختصاص داده نشد.

5- مبارزه مسلحانه در فارس موفقیت نسبی برای حزب ببار آورد و توانست تاثیر مثبتی در میان مردم محلی بگذارد. نیروی نسبتاً بزرگی از دشمن را در هم شکسته ( بیش از 120 کشته از دشمن ) و هجوم و محاصره دشمن را در هم شکند ولی بعلت سیاست عقب نشینی ، عدم تداوم رهبری این مبارزه و اخلال اپورتونیست های کودتاگر در این بخش نتوانست پیروزی های نسبی را تحکیم کند.

6- تدارک مبارزه مسلحانه در شمال ( پائیز 1360 ) در شرایط ترور خونین رژیم جمهوری اسلامی ، برافراشتن پرچم مقاومت و مبارزه قهرآمیز و تا به آخر حزب علیه ارتجاع حاکم ، گامی عملی در تصحیح انحرافات گذشته حزب بود و نام حزب را به عنوان یک نیروی سیاسی که در جهت براندازی رژیم عمل می کند به میان توده ها برد. از این رو اقدام حزب در این زمینه ، علی رغم کمبودهای مربوطه به رهبری مبارزه ، شناسائی و انتخاب منطقه و اشتباهات مشخص نظامی درست و مورد تائید و تحسین است.